

بررسی واژگان و اصطلاحات کاربردی پسته در حوزه کشاورزی نوق

رفسنجان (ص ۲۵-۴۸)

زهرای ایرانمنش^۱، سعید سلطانی نژاد (نویسنده مسئول)^۲، زهرا صباغ زاده نعمت آباد^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۱

چکیده

منطقه نوق در مجاورت شهرستان رفسنجان و در استان کرمان واقع شده است. این منطقه شامل یازده روستای دارای سکنه است. راه‌های ارتباطی این منطقه به شهرستان رفسنجان، انار، کشکویه، سیریز و بافی است. شغل بسیاری از افراد این منطقه کشاورزی است. هدف اصلی این پژوهش جمع‌آوری و طبقه‌بندی واژگان کشاورزی پسته در لهجه منطقه نوق است. اکثر ساکنان این منطقه از طریق کشاورزی و به‌خصوص محصول پسته، زندگی را می‌گذرانند و به همین دلیل، غنای واژگان و اصطلاحات این زمینه کشاورزی، فراوان است. نگرانی نابودی این واژه‌ها و ضرورت حفظ آن‌ها سبب شد تا نگارندگان به جمع‌آوری برخی از آن‌ها بپردازند. داده‌ها به روش میدانی و مصاحبه با افراد بومی این منطقه که در زمینه کشاورزی تخصص داشته‌اند جمع‌آوری شده و سپس بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است. داده‌های پژوهش مربوط به درخت پسته به هفت دسته تقسیم شده است که عبارتند از: انواع پسته، پسته بعد از برداشت، آفات و مشکلات مربوط به زراعت پسته، ابزارهای مورد استفاده، اصطلاحات مربوط به داشت پسته، علف‌های هرز مربوط به زراعت پسته و اصطلاحات متفرقه.

کلمات کلیدی: نوق، لهجه، پسته، واژگان کشاورزی.

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Email: iranmanesh.zahra@yahoo.com

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران. Email: soltaninejad89@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

Email: Zahra.sabagh2460@gmail.com



۱. مقدمه

زبان، تکیه‌گاه اندیشه است و وظیفهٔ خطیر ارتباط بین انسان‌ها را بر عهده دارد. «زبان ابزاری است آوایی که برای ارتباط و تفاهم و تبادل علمی و فرهنگی میان افراد یک جامعه به کار می‌رود و از مجموعه واژه‌های گویشی می‌توان اوضاع اجتماعی، اخلاقی و نحوهٔ معیشت و روابط انسان‌ها، تعلیم و تربیت دیگر مظاهر اجتماعی روزگاران گذشته را بازشناسی کرد» (برومند، ۱۳۸۴: ۳۴). لهجه به شکل‌هایی از یک زبان گفته می‌شود که تفاوت‌هایی آوایی یا دستوری دارند به گونه‌ای که استفاده‌کنندگان دو لهجهٔ متفاوت هم‌چنان می‌توانند سخن یکدیگر را درک و دریافت کنند. «لهجه، صورت تغییر یافته‌ای از زبان است که برای سخن‌گویی دیگر، صورت‌های آن قابل فهم باشد مانند یزدی، کرمانی و رفسنجان و شکلی خاص از تلفظ زبان معیار است که در نواحی جغرافیایی یا موقعیت‌های فرهنگی، گوناگون به کار می‌رود» (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۵). هم‌چنین در زبان‌شناسی به نحو و شیوه‌ای از تلفظ‌های خاص یک منطقه و گروه زبانی، لهجه می‌گویند. «تقریباً در تمامی زبان‌های جهان، گروه‌هایی با لهجه‌های گوناگون وجود دارند. مجموعه تلفظ‌های ویژهٔ یک گروه معمولاً قانونمند و مطابق ضوابط ثابتی صورت می‌گیرد. لهجه‌ها معمولاً با مناطق جغرافیایی ویژه ارتباط دارند. اگر مجموعه تلفظ‌های دو دسته از گویشوران یک زبان به گونه‌ای باشد که همدیگر را نسبتاً آسان بفهمند، صحبت از لهجه می‌کنیم و اگر تفاوت‌های تلفظی و دستوری به گونه‌ای باشد که درک مقابل با دشواری‌هایی روبرو باشد، از گویش صحبت می‌کنیم» (رنجبرحقاکبودی، ۱۳۹۱: ۳۱).

در این پژوهش به بررسی برخی از اصطلاحات و واژه‌های مربوط به زراعت پسته در لهجهٔ منطقه نوق می‌پردازیم، سعی بر آن داریم که تفاوت‌های لهجهٔ منطقه نوق را دریابیم. «بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات زبان فارسی، امروزه در تداول عامه، کاربرد خود را از دست داده و گاه فراموش شده‌اند. خوشبختانه هنوز برخی از این واژه‌ها و اصطلاحات در گویش‌های محلی و قومی کاربرد دارند» (اسدیان، ۱۴۰۱: ۳). لازم به ذکر است که برخی از واژه‌ها تنها به لهجهٔ منطقه نوق اختصاص ندارد و ممکن است بعضی از آن‌ها در لهجه‌ها و گویش‌های مناطقی که دارای پسته هستند کاربرد داشته باشند. «زبان یک نهاد اجتماعی است و در جوامع بشری به عنوان یک ابزار برای برقراری ارتباط به کار می‌رود، تحوّل بر اساس بنیادهای جامعه، سیاست، مذهب، آداب و اصول و مشاغل می‌باشد، در دستور زبان هم تحوّل ایجاد می‌شود، زبان به جامعه وابسته است و بالطبع با تحوّل که در جامعه رخ می‌دهد زبان هم تحوّل می‌گیرد و واژگان که افراد در جامعه به کار می‌برند بیش از هر چیزی دگرگونی‌هایی اجتماعی را در جامعه باعث می‌شود» (مدرسی، ۱۳۸۴: ۲۷).

آشنایی با لهجه‌های محلی و منطقه‌ای یک محدودهٔ سرزمینی از جمله رفسنجان و بخصوص نوق، به عنوان یکی از راه‌های شناخت آداب، رسوم و خلیقات مردمان این سرزمین محسوب می‌شود. «گاه با

شناخت لهجه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌های یک منطقه، نحوه نگرش رفتار اجتماعی آن منطقه به عنوان آداب و رسوم آن خطه خودنمایی می‌کند» (دبیر مقدم، ۱۳۸۷: ۸۳).

هدف لهجه‌شناسی، شناخت زوایا و خبایای لهجه‌ها و توصیف علمی آن‌هاست، «لهجه‌ها و زبان‌های محلی، منبع بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبیات، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و تاریخ می‌باشند. در بررسی زبان‌شناختی، پژوهشگر باید از هر دو علم زبان‌شناسی و دستورزبان یاری بجوید» (نغزگوی کهن، ۱۳۸۵: ۴۴).

به طور کلی «هدف زبان‌شناختی یک گونه زبانی نیز بررسی واژگان از نظر ساختار و ساخت‌شناسی می‌باشد» (خطیب رهبر، ۱۳۹۶: ۷۳).

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

- لهجه منطقه نوق دارای چه گوناگونی و تنوعی در حوزه واژگان مربوط به کشاورزی پسته است؟
- میزان تفاوت واژگان کشاورزی نوق و فارسی معیار تا چه حد است؟
- اصطلاحات کشاورزی مربوط به پسته در حوزه نوق رفسنجان دارای چه نوع طبقه‌بندی‌هایی است؟

۲-۱. روش انجام پژوهش

روش کار در این پژوهش، روش میدانی است. در بررسی یک گویش، لهجه و گونه زبانی، گردآوری واژه‌ها، استخراج و توصیف واج‌های گویشی، بررسی ساختمان و دگرگونی‌های واجی و تجزیه و تحلیل قواعد دستوری از بایسته‌ترین کارهایی است که هر پژوهشگر باید انجام دهد. این کار در صورتی تحقق می‌یابد که مواد اولیه تحقیق از طریق گردآوری اطلاعات به‌دست آید. نگارندگان که یکی از آن‌ها خود لهجه‌ور این لهجه است، داده‌های موجود را از طریق مصاحبه جمع‌آوری کرده‌اند.

۳-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در حوزه کشاورزی نوق و منطقه نوق پژوهشی انجام نشده است یا به صورت بسیار محدود و تنها در حد ردپایی از این حوزه‌ها در دسترس است. در مورد منطقه نوق، مقاله‌ای با عنوان «شناسایی ماسه‌های بادی ریگ نوق با استفاده از تحلیل باد و موفومتري ذرات ماسه»، از مهران مقصودی و همکاران چاپ و منتشر شده؛ اما درمورد لهجه این منطقه، اصطلاحات و واژگان کشاورزی کاری صورت نگرفته است. در اغلب گونه‌های زبانی کشور پژوهش‌ها و بررسی‌هایی صورت گرفته اما در مورد زبان‌شناختی گونه زبانی نوق پژوهشی انجام نشده است. البته واژه‌های عامیانه، ضرب‌المثل‌های رفسنجانی، فرهنگ، آداب و رسوم رفسنجان توسط پژوهشگران بررسی شده است که می‌توان به «ضرب

المثل‌ها و کلمات عامیانه رفسنجان» اثر محمد حسینی‌پور رفسنجانی (۱۳۹۴) اشاره کرد که به واژه‌ها و اصطلاحات منطقه نوق پرداخته‌است.

۴-۱. خصوصیات بخش نوق

بخش نوق در شمال غرب شهرستان رفسنجان واقع شده و از سمت شمال به استان یزد، از غرب به بخش انار، از جنوب به بخش‌های کشکوئیه و از شرق به شهرستان زرنده محدود می‌گردد. مساحت این بخش، ۴۵۰ کیلومترمربع شامل یازده آبادی دارای سکنه است. تغییرات دما از متوسط پنج الی شش درجه در بهمن ماه تا ۴۸ درجه در مردادماه متغیر است. این منطقه اقلیمی خشک معتدل (کویری) دارد. مراتع بخش، عمدتاً فقیر و نامرغوب بوده و پوشش جنگلی به صورت تک‌درختی و درختچه‌هایی نظیر بادام کوهی، بنه، انجیر کوهی، تاغ و گز به صورت پراکنده قابل مشاهده‌است. راه‌های ارتباطی این بخش به انار، کشکوئیه، سیریز، زرنده و بافق است. جمعیت بخش نوق در یازده منطقه (ده منطقه روستایی و یک منطقه شهری) متمرکز شده است که جمعیت آبادی‌های تحت پوشش بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ به شرح جدول ذیل است:

ردیف	نام آبادی	کل جمعیت	تعداد خانوار
۱	احمدیه	۱۰۴۶	۲۸۹
۲	احمدآباد	۲۱۶	۴۴
۳	باقرآباد	۳۲۵	۹۴
۴	جوادیه الهیه	۴۱۳۲	۱۱۲۱
۵	روامهران	۱۰۴۷	۳۲۰
۶	زانوق‌آباد	۲۲۳	۶۳
۷	بهرمان	۵۲۶۵	۱۴۷۴
۸	علی‌آباد	۱۶۷	۴۸

۲۷۵	۹۸۳	دقوق آباد	۹
۸۰	۲۹۷	نجم آباد	۱۰
۳۳	۱۱۷	محمدآباد برخوردار	۱۱

۱-۴-۱. ضرب المثل های نوقی

- آب از کنج ناخونش نمی چکه / *āb az konje nāxoneš nemičeke*: کنایه از خسیس بودن است.
- چلو صافی به آفتابه میگه دو کتو / *čelow sāfi be āftābe mige do kot ū*: کنایه از شخص پر عیب که عیب دیگران را می گوید.
- خونهٔ همسایه کماچه، به ما چه / *xūney hamsāye komāče, be mā če*: کنایه از دخالت نکردن در کار دیگران
- نانش را بگیر جانش را بگیر / *nānaš rā begir jānaš rā negir*.
- دیوار حاشا بلند است / *divār hāšā boland ast*.

۲-۴-۱. دوبیتی عامیانهٔ نوقی

فلک ور گردنم زنجیر داره	غریبی سخ مرا دل گیر داره
<i>falak var gardenom zanjir dāre</i>	<i>qaribi sax merā delgir dāre</i>
که غربت خاک دامن گیر داره	فلک از گردنم زنجیر وردار
<i>ke qorbat xāke dāmangir dare</i>	<i>falak az gardenom zanjir vardār</i>

امیرالمؤمنین را یاد کردم	سر کوه بلند فریاد کردم
<i>amir al momenin rā yād kerdom</i>	<i>sare kūhe boland faryād kerdom</i>

امیرالمؤمنین ای شاه مردون که رو ور قبله حاجات کردم

amir al momenin ey šāhe mardūn ke rū var qebleye hājāt kerdom

دو چشمونم به در اومد به یکبار ز بس که گریه کردم از غم یار

do češmūnom be dar omad be ze bas ke gerye kardom az qame yār
yekbār

بده دسمال بیندم روی چشمم که شاید چاق بشه از بوی دسمال

bede dasmāl bebandom rūye ke šāyad čāq beše az būye dismal
češmom

۲. بحث و بررسی

با بررسی و مقایسه گویش‌های رایج در استان کرمان می‌توان به وجوه اشتراک و افتراق این گویش‌ها پی برد. با این بررسی از سویی متوجه فرایندهای واجی مشترک آن‌ها و نیز قرابت تاریخی و جغرافیایی این گویش‌ها می‌شویم و از سوی دیگر شاهد تفاوت نسبی این گویش‌ها هستیم و این تفاوت در مقایسه با زبان معیار در شهرستان‌های مختلف استان کرمان شدت و ضعف دارد.

«در چنین شرایطی باید از میان تمامی اصوات که گوینده می‌تواند به تلفظ در آورد، مجموعه آواهایی برگزیده شود که در زبان مورد نظر به کار می‌روند. این آواها تحت قواعد خاصی، امکان هم‌نشینی با یکدیگر می‌یابند تا بتوانند هجاهای مورد استفاده در آن زبان را بسازند، هم‌نشینی عناصر دستوری برای ساخت عنصر دستوری مرتبه بالاتر، تابع مجموعه‌ای از قواعد ویژه خود خواهد بود» (صفوی، ۱۳۸۹: ۴۰). تقریباً در تمامی زبان‌های جهان، گروه‌هایی با لهجه‌های گوناگون وجود دارند. مجموعه تلفظ‌های ویژه یک گروه معمولاً قانونمند هستند و مطابق ضوابط ثابتی صورت می‌گیرند. لهجه‌ها با مناطق جغرافیایی ویژه ارتباط دارند. لهجه نوق یکی از لهجه‌های حومه شهرستان رفسنجان است که خود این لهجه از لحاظ آوایی، واجی، نحوی و صرفی نیز در سرتاسر این منطقه متفاوت است؛ به گونه‌ای که ما در این منطقه شاهد لهجه بالای نوق و لهجه پایین نوق هستیم. اما از آنجا که شغل بیشتر مردم این منطقه، کشاورزی پسته است، واژگان کشاورزی در این منطقه با لهجه یکسانی تلفظ می‌شوند و با سایر لهجه‌های موجود منطقه تفاوت چندانی ندارند.

۱- انواع پسته ۲- پسته بعد از برداشت ۳- آفات و مشکلات مربوط به زراعت پسته ۴- ابزارهای مورد استفاده مربوط به زراعت پسته ۵- اصطلاحات مربوط به داشت پسته ۶- علف‌های هرز مربوط

به زراعت پسته ۷- اصطلاحات متفرقه؛ بخش‌هایی هستند که هرکدام از آن‌ها را به طور جداگانه می‌توان بررسی کرد.

از بخش‌های فوق‌الذکر، قسمتی که حائز اهمیت است اصطلاحات کشاورزی این بخش است. اگرچه تنوع واژگانی در این لهجه نسبت به فارسی معیار بسیار زیاد است اما لازم به ذکر است که این محصول در شهرهای مختلف از جمله رفسنجان، انار، بافق، سیریز، بیرجند و غیره نیز کشت می‌شود و ممکن است در هر بخش، تفاوت‌هایی بین واژگان کشاورزی پسته در این مناطق وجود داشته باشد. به طوری که حتی زمین پسته را به عنوان مهریه زنان قرار می‌دهند. این بررسی زبان‌شناختی علمی برای حفظ نگهداری لهجه و گویش این دیار است که لهجه‌های ایرانی دارای ارزش فرهنگی هستند. جمع آوری واژگان از فراموشی آن‌ها جلوگیری می‌کند و نشان می‌دهد که این لهجه‌ها دارای ویژگی‌های آوایی، صرفی، و نحوی هستند و از نوع گونه و گویش آن‌ها می‌توان به فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات و روابط آن‌ها پی برد.

بابک که در بررسی زبان‌شناختی زرنده، نخستین فصل را به تعریف اصطلاحاتی مانند آوا، آهنگ، انسداد، بی‌آوا، جمله، تکیه، تکواژ، زبان و غیره اختصاص داده، بیان می‌کند: «(زبان‌شناختی، بررسی علمی زبان است که باید از مشاهده فرضیه‌سازی و آزمایش گذشت تا بتوان به نتیجه رسید و گویش، صورت دگرگون‌شده‌ای از یک زبان که برای گویندگان به دیگر صورت‌های دگرگون‌شده قابل فهم باشد؛ مثلاً کرمانی، شیرازی و غیره از گویش‌های زبان فارسی هستند)» (بابک، ۱۳۹۰: ۱۱).

۲-۱. انواع پسته

از جمله مهم‌ترین ارقام پسته که از ایران به کشورهای دیگر صادر می‌شود؛ پسته کله‌قوچی، فندقی، اکبری، احمدآقایی و بادامی است که از لحاظ کیفیت، طعم، رنگ مغز، درشتی، ریزی، تیرگی، روشنی و رنگ پوست در مناطق مختلف ایران با نام‌های گوناگون شناخته می‌شوند. علاوه بر این ویژگی‌ها، محل تولید پسته نیز به لحاظ کیفیت در قیمت این خشکبار تأثیر دارد؛ مثلاً پسته دامغان به خاطر طعم مرغوب و زیادی چربی، پسته قزوین به علت رنگ سبز مغزش و پسته رفسنجان نیز به خاطر مزه و رنگ قرمز مغز و هم‌چنین روشن بودن رنگ پوست آن جایگاه خاصی دارند. معروف‌ترین انواع پسته موجود در رفسنجان و بخش نوق عبارتند از: احمدآقایی، اکبری، اوحدی، کله‌قوچی، سفیدپسته، شصستی، بادامی، ته طلایی، خودمایه و غیره.

«پسته، درخت کوچکی است که سرچشمه آن خاورمیانه و آسیای میانه است و در کشورهایمانند ایران، سوریه، ترکمنستان و غرب افغانستان رشد می‌کند. این درخت میوه‌ای تولید می‌کند که خوراکی و بسیار لذیذ است. پسته، واژه‌ای فارسی است که از طریق زبان لاتین وارد زبان‌های اروپایی شده است» (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

در ادامه به معرفی انواع پسته‌های موجود در منطقه نوق می‌پردازیم:

- آمد آقایی /*ʔamadâqâi*/

پسته احمدآقایی نوعی پسته است که از نام شخص پسته‌داری از توابع شهرستان رفسنجان گرفته شده است. عملکرد بالا و زمان کم برای برداشت، از ویژگی‌های بارز این نوع از پسته است. رنگ سفید پوست این نوع پسته و قرمزی مغز آن، احمدآقایی را به عنوان یکی از بهترین نوع پسته‌ها معروف ساخته است.

- اکبری /*ʔakberi*/

پسته اکبری، پسته‌ای درشت، خوش‌فرم و مثل بادام، کشیده است. این نوع پسته، ارزش تجاری بالایی دارد و محصول آن بیشتر صادر می‌شود.

- اودی /*ʔevedî*/

یکی دیگر از مهم‌ترین ارقام تجاری پسته، پسته اوحدی است. این پسته معروف با اکثر مناطق پسته‌کاری، سازگار است. پسته اوحدی به لحاظ ظاهری، گرد و به شکل فندق است.

- بادومی /*bâdûmî*/

این نوع پسته، بادامی‌شکل، بلند و کشیده است و رنگی کدر دارد. پسته بادامی، زود گل می‌دهد و از آنجایی که در نیمه اول مردادماه قابل برداشت است، پسته‌ای زودرس به شمار می‌آید.

- تِ طلایی /*tatêlâi*/

نوعی پسته ریز و تمام‌خندان است.

- خودمای /*xudmây*/

درخت نری که پیوند نخورده و به طور خودرو ثمر می‌دهد. واژه خودمایه به معنی خودرو است.

- سفی پیسه /*sefipse*/

سفیدپسته نوق یکی از پسته‌های قدیمی رفسنجان است و مخصوصاً در منطقه نوق با وجود آب و هوای گرم‌تر نسبت به رفسنجان، گسترش بیشتری یافته است. این نوع پسته، بادامی‌شکل است و دیررس به شمار می‌آید. زمان برداشت پسته سفید نوق، دهه سوم شهریور ماه است.

- سیوز پِس /sewz pese/

سبزپسته، نوعی پسته احمدآقایی است که مغز آن تماماً سبز است و برای حفظ رنگ سبزش در شهریورماه برداشت می‌شود.

- شَصی /šasi/

پسته‌ای درشت به اندازه انگشت است و شصت را پسته شصتی نیز می‌گویند.

- کَلقوچی /kalquči/

پسته کله‌قوچی یکی از مشهورترین انواع پسته است. این نوع پسته، بزرگ‌ترین مغز را در بین ارقام پسته دارد و ثمردهی خوب آن موجب گسترش و محبوبیتش گردیده‌است اما نسبت به کمبود آب و موادغذایی حساس است. زمان برداشت پسته کله‌قوچی اواخر شهریور ماه است.

- شا پِس /šâ pesa/ / خانام پِس /xânâm pesa/

پسته شاه‌پسند، بادامی‌شکل است و یکی از معروف‌ترین ارقام تجاری پسته است. پسته شاه‌پسند، دیر گل می‌دهد و در اواخر شهریور برداشت می‌شود.

- فندقی /fendoqi/

این نوع پسته شکلی ریز دارد و مغز آن کروی‌شکل است که اغلب از آن برای تزئین انواع شیرینی‌های پسته‌ای استفاده می‌شود. پسته فندقی نسبت به سایر پسته‌ها، ارزان‌ترین رقم پسته است اما این دانه آجیلی باارزش، بیشترین میزان صادرات پسته را به خود اختصاص داده‌است. گاهی بومیان، پسته فندقی را پسته جندقی نیز می‌گویند.

- قرمز و /qermezu/

پسته‌ای است که پوسته آن قرمز رنگ است. این نوع پسته، پرمحصول بوده و از سال اول کاشت به بار می‌نشیند. نام دیگر این پسته در منطقه نوق، باقرآبادی است.

- پِس آرزنو /pese ʔarzenū/

در فصل بهار درخت پسته شکوفه و گل می‌دهد که به این گل‌ها ارزنو می‌گویند.

۲-۲. پسته بعد از برداشت

پسته بعد از برداشت به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود که در این قسمت به آن‌ها اشاره خواهد شد.

- پس پوک /pese pūk/

پسته بدون مغز و پوچ را پوک یا پوتو /pūtū/ می‌گویند.

- پیرو /pirū/

پسته‌ای که مغزش به دلیل کمبود آب، چروکیده شده است.

- تِکلی /takeli/

به پسته‌های خندان که از لحاظ ظاهری آسیب‌دیده‌اند گفته می‌شود.

- دَم بَس /dambas/

پسته‌ای مغزدار اما دهان بسته است.

- خَندون /xandu/- /xandun/

پسته‌ای که خندان و شکفته باشد و به رشد کامل رسیده باشد.

- روکلی /rukeli/

پسته نیم‌مغز را روکلی می‌گویند.

- روِ اوی /ru ʔewi/

پسته‌ای که به دلیل سبک بودن و نیم‌مغز بودن، به هنگام شستشو بر روی آب می‌آید.

- زَرْدو /zardū/

پسته‌ای ریز و زردرنگ است.

- کَرکو /karkū/

پسته نارس که مغز دارد اما پوسته‌اش سفت است و به رشد کامل نرسیده است.

- گُو /gū/

پسته پوک و پوست‌دار و غیر قابل استفاده است. واژه گو در واقع واژه‌ای است که بومیان منطقه در حوزه کشاورزی پسته ساخته‌اند و مفهوم کم‌ارزش و ناچیز بودن را دارد.

- نُخودو /noxodū/

پسته ریز که در اندازه و شکل، شبیه به دانه نخود است.

- /æwχandonū/ اوخندونو

معمولاً در زمستان پسته‌های دهن‌بسته را در آب می‌ریزند تا خیس بخورد و به وسیلهٔ ابزاری قیچی‌مانند، آن‌ها را خندان می‌کنند.

- /pese çarbū/ پس چربو

در اثر فشار دانه در داخل پوست پسته، چربی‌ای حاصل می‌شود که به آن، پسته‌چربو می‌گویند.

- /pese keĵū/ پس کِجو

پسته‌های ریز و کوچک که به راحتی مغز از داخل آن‌ها بیرون نمی‌آید.

- /pese berketū/ پس برکتو

به این نوع پسته، پستهٔ دوقلو هم می‌گویند؛ زیرا متشکل از دو دانه پستهٔ به‌هم‌چسبیده است.

۲-۳. آفات و مشکلات مربوط به زراعت پسته

اغلب کشاورزان در مزارع پستهٔ خود با آفات و مشکلاتی اعم از حشرات، پرندگان و غیره روبرو می‌شوند که برای آن‌ها نگران‌کننده است. کشاورزان تلاش می‌کنند در اسرع وقت با این آفات مقابله کنند و در پی حل مشکلات مزارع پسته برآیند. در ادامه به معرفی انواع آفات عمدهٔ مربوط به پسته در لهجهٔ نوق می‌پردازیم.

- /dāyū/ داغو

در اثر گرمی هوا، پوست پسته دچار سوختگی شده و سیاه‌رنگ می‌شود.

- /tāqū/ طاقو

پسته‌ای که به درستی گرده‌افشانی نشده باشد یا در اثر سرمازدگی، پوسته‌اش سفت نشده باشد. واژهٔ طاق به معنی تک‌مانده (جامانده) به‌گونه‌ای که به چشم آید، در بین صحبت‌های روزانهٔ بومیان منطقهٔ نوق رواج دارد.

- /suskū/ سوسکو

نوعی سوسک که به جوانه‌های (کُنگ) پسته وارد می‌شود و آن‌ها را می‌خورد.

- سِنُو /senū/

نوعی حشره‌ای است که رنگ‌ها و اندازه‌های مختلف دارد. نوع سبز آن برای پسته ایجاد بیماری می‌کند و در تماس با دست، بوی بد تولید می‌کند.

- ماسو /māsū/

بیماری مغز پسته که حاصل نیش حشره «سِن» است و شکل این ماده، ماست‌مانند است.

- گُموز /gomoz/

شیره‌ای سیاه‌رنگ است که آن را قارچ داخل تنه درخت ایجاد می‌کند و سبب خشکی درخت می‌شود.

- گِرِنگو /gerengū/

نوعی کرم لوله‌ای ریز همانند توده‌ای سرطانی که به ریشه درخت آسیب می‌زند و به مرور زمان، آن را خشک می‌کند.

- سوم زِد /sūmzede/

سرمایی که بعد از جوانه‌زدن درخت پسته، سبب بی‌ثمر شدن محصول در آن سال می‌شود.

- شِکِرُو /šekerū/

خسارت ناشی از مکیدن شیره برگ درخت به وسیله نوعی حشره به نام پَسِیل که پس از دفع، بر روی برگ به صورت شکرمانند ایجاد می‌شود.

- شَیْتِه /šate/

حشره‌ای که با نیش‌زدن در برگ، باعث ایجاد اتافکی در برگ می‌شود و در آن تخم‌گذاری می‌کند و نسل جدیدی را به وجود می‌آورد.

- کِرَم کِراش /kermekerâš/

پروانه کوچکی که روی خوشه پسته تخم‌گذاری می‌کند و کرم حاصل از آن، پوست پسته را می‌تراشد.

- کِرَم کِرمانیا /kerme kermaniâ/

این کرم با خروج از تخم به خوشه وارد می‌شود و در نهایت به شاخه می‌رود و باعث خشکیدگی سر شاخه‌ها می‌شود.

- چِتک زِد /jetk zede/

نوعی شیره بسیار چسبناک که از تنه درخت پسته بیرون می‌تراود و تنفس ساقه و برگ‌های درخت پسته را مختل می‌کند و سبب آسیب‌دیدگی شدید درخت می‌شود.

- هودی /hudi/

پرنده‌ای است که در نزدیکی تنه درخت در داخل خاک، لانه می‌سازد و تخم‌گذاری می‌کند و از درخت پسته (پسته‌های قابل برداشت) تغذیه می‌کند.

- تَرَنَشک /ternešk/

از کوچک‌ترین پرندگان این منطقه است که از درخت پسته تغذیه می‌کند. این واژه در فرهنگ بومی منطقه نفوذ دارد و نماد کوچک‌بودن است.

- دُم زَنو /domzenū/

نوعی پرنده است که تعداد کمی از آن در این منطقه وجود دارد. این پرنده پس از تکمیل شدن مغز پسته به دانه‌ها آسیب می‌زند و از آن‌ها تغذیه می‌کند و دلیل نامگذاری‌اش به domzenū دم‌جنباندن این پرنده است.

- کَلاغ سوزو /kelay sewzū/

نوعی کلاغ است که از مغز پسته تغذیه می‌کند و به خوشه پسته آسیب می‌رساند.

- چُغوت /çoyut/

همان گنجشک است. به دلیل فراوانی این گونه از پرنده نسبت به سایر پرندگان، خسارت بیشتری را به مغز پسته وارد می‌کند. این پرنده با نوک زدن به پسته، نوک پسته را خالی می‌کند و مسیر ورود سایر آفات را به دانه پسته باز می‌نماید.

- گورسُمی /gorsumi/

نوعی خزنده است که در جوی‌های گلی وجود دارد و با ایجاد حفره‌هایی در مسیر آب، سبب هدر رفتن آب می‌شود.

- سَنگ زِرِدو /sang zeredū/

همان تگرگ است که اگر در زمان نامناسب ببارد آسیب جدی به پسته و برگ‌های درخت پسته وارد می‌کند.

۴-۲. ابزارهای مورد استفاده در زراعت پسته

کشاورزان در زراعت پسته از ابزارهایی استفاده می‌کنند که می‌توان آن‌ها را به دو دسته مجزا تقسیم‌بندی کرد: ۱- ابزارهای برقی و مکانیکی در زراعت پسته ۲- ابزارهای غیرمکانیکی در زراعت پسته.

۴-۲-۱. ابزارهای برقی و مکانیکی در زراعت پسته

- چرخ پس پوس کنی /čarxe pese pos koni/

چرخ پسته‌پوست‌گیر، دستگاه برقی‌ای است که از آن برای جداکردن پوست نرم اولیه پسته‌های چیده‌شده استفاده می‌کنند. این دستگاه دارای یک مخزن مستطیل شکل برای ریختن پسته و یک مخزن از توپه‌های غلطان و دندانه‌دار برای پوست‌کندن پسته است و دو خروجی دارد که از یکی، پوست‌های جداشده خارج می‌شوند و دیگری، خروجی پسته‌هاست که در داخل جاوند یا حوض‌های کوچکی که در مقابل آن می‌سازند، ریخته می‌شوند.

- چرخ اوی /čarxe ?ewi/

چرخ آبی، دستگاهی برقی است که پسته‌ها را به وسیله نوار، داخل چرخ ریخته، پوست‌های جامانده از چرخ پسته‌پوست‌گیر را می‌گیرد و با قدرت و با کمک آب، آن‌ها را خارج می‌کند و پسته‌ها را می‌شوید.

- چرخ خُش کُن /čarxe xoš kon/

چرخ خشک‌کن، دستگاهی برقی و گازوئیل‌سوز است که پسته‌ها را سفید نگه می‌دارد و آن‌ها را خشک می‌کند و با وجود درجه سردی و گرمی‌ای که دارد؛ بعد از سردشدن کامل پسته‌ها و ایجاد بخار، به آن‌ها گرما وارد می‌کند و همین عمل باعث می‌شود تا پسته‌های دهان‌بسته، خندان شوند.

- چرخ جداکُن /čarxe jodâ kon/

جداکُن ابزاری برقی است که پسته‌های خندان را از پسته‌های دهان‌بسته جدا می‌کند.

- بازه کِش /bâzekeš/

ابزاری که با آن، خاک را از دو طرف به وسط زمین می‌آورند و دیوار یا مرزی از خاک ایجاد می‌کنند. نام دیگر این ابزار (مَرزَبَن) /marzban/، مرزبند است.

- تیلر /tiler/

ابزاری مکانیکی برای زیر و رو کردن خاک‌های زمین پسته است.

- پمبیل /pambil/

پنج‌پیل، وسیله‌ای که دارای پنج پیل است که مثل پیل دستی عمل می‌کند و خاک را از زمین جدا می‌کند.

- کُت کِنو /kotkenū/

ابزاری که در اعماق ۴۰ سانتی‌متر الی ۲ متر چاله می‌زند. نام دیگر آن، پیل مکانیکی یا کانال‌زن است.

- کَزَبَل /kazbal/

وسیله‌ای که کار صاف کردن زمین را انجام می‌دهد.

- لیپر /liper/

ابزاری که در زمین شکاف ایجاد می‌کند تا آبیاری بهتر صورت گیرد.

- دوییلو /dobilū/

ابزاری که برای شکستن زمین استفاده می‌شود. نام دیگر آن گاواهن است.

- نرم کِنو /narmkenū/

وسیله‌ای که برای ایجاد چاله‌های کم‌عمق استفاده می‌شود.

۲-۴-۲. ابزارهای غیر مکانیکی مربوط به زراعت پسته

- اوچین /?ewcîn/

اوچین (اوشین) وسیلهٔ چهار شاخی است که برای بارزدن پوست پسته و جمع‌آوری علوفه به کار می‌رود.

- شِن کِش / šen keš /

ابزاری چندشاخ که به کمک آن، برگ‌های درخت را جمع می‌کنند.

- پَرچال /parčaal/

پارچه‌ای بزرگ و مورد استفاده در زمان برداشت پسته که جنس این پارچه‌ها اغلب مواد و الیاف شیمیایی است.

- جاوَنَد /jâwand/

پارچه‌ای از جنس الیاف شیمیایی که در زمان چیدن پسته، پسته را روی آن می‌ریزند.

- جاوَنَد خَرْمَنِی /jâwand xarmeni/

پارچه‌ای که در زمان خرمن کردن پسته و جمع‌آوری آن در محل پسته‌چینی استفاده می‌شود.

- جاوَنَد کولِ ای /jawandekolei/

پارچه‌ای کوچک که بعد از برداشت و چیده شدن پسته، بر روی شانه کارگران می‌اندازند و به وسیله آن، پسته را جابه‌جا می‌کنند.

- سَفْتُو /saftū/

سبیدی که در زمان برداشت محصول یا جمع‌آوری و فراآوری پسته، از آن برای چیدن، جابه‌جایی، ضبط و گاهی پخش و پهن کردن پسته استفاده می‌کنند.

- کفیل /kafil/

ابزاری که دارای تیغه پهن است و برای زدن علوفه و کندن زمین با عمق کم به کار می‌رود. در زمان آبیاری برای بازگشایی راه آب استفاده می‌شود.

- بیل /bil/

ابزاری که برای کندن زمین با عمق زیاد استفاده می‌شود و بر خلاف کفیل، طول تیغه‌هایش بیشتر و پهنای آن کمتر است.

- کُ دینو /kodinū/

چوبی بزرگ و ضخیم که در قدیم برای جدا کردن پوست پسته استفاده می‌شده است.

- گِوکی /gewki/

ظرفی مانند سطل و از جنس آلومینیوم که پسته‌ها در آن خیس می‌خورند و جدا می‌شوند.

- کل /kal/

ظرفی مستطیل‌شکل و نسبتاً بزرگ همانند گل اما از جنس آلومینیوم و دارای یک مجرای خروجی آب در قسمت پایینی که از آن برای شستشوی پسته استفاده می‌کنند. با بستن راه خروجی ظرف، آن را پر از آب می‌کنند و مقدار زیادی پسته را در آن می‌ریزند و با گرفتن پسته‌هایی که بر روی آب (رو آبی و پوک) می‌آیند مابقی پسته‌ها را شستشو داده، تفکیک می‌کنند.

- پارو/pâru/

وسيله‌ای مانند بیل که از آن برای جابه‌جایی پسته‌ها، ریختن پسته در داخل چرخ پسته‌پوست‌گیر و جمع‌آوری آن‌ها استفاده می‌شود. البته در لغت‌نامهٔ دهخدا در تعریف این واژه این‌گونه آمده‌است: «در تداول نانوایان، آلتی چوبین که دستهٔ دراز و سری پهن دارد و بر آن، خمیر را پهن کنند...» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «پارو»)

- تورو/turū/

سبیدی که پسته را هنگام جمع‌کردن، در آن می‌ریزند.

۲-۵. علف‌های هرز مربوط به زراعت پسته

بی‌شک در اطراف هر محصولی که کشت می‌شود علف‌های هرزی می‌رویند که کشاورزان را به از بین بردن آن‌ها وادار می‌کنند. در زمین‌های کشاورزی پسته نیز علف‌های هرز مختلفی وجود دارند و اغلب این علف‌ها برای مصارف متعدد در بین کشاورزان استفاده می‌شود. در این بخش به ذکر نام تعدادی از آن‌ها که در لهجهٔ منطقهٔ نوق بسیار رایج و با فارسی معیار کاملاً متفاوت هستند می‌پردازیم اگرچه ممکن است یک نوع علف در لهجه و گویش‌های مختلف از لحاظ تلفظ با لهجهٔ نوق متفاوت اما از لحاظ شکل ظاهری یکسان باشد.

بمبوک/bambuk/، پیچو/piču/، چنارو/čenaru/، چن چُغوتو/čenčoqu/، خارخسک/xârxesak/، دوسو/dūsū/، سلمه/salme/، شور/šure/، قلفه/qulfe/، مُکو/mokū/، مور/meowr/، تلخه/talxe/، مدکی/madki/، گوشوارو/gušvâreo/، ایشلوم/ʔešlum/، کزغ/koroy/، پمبه‌شوره/pambe šure/، یونجه/yonje/، نی/nei/، حسن بُلندو/hasan bolandu/، رزیو/rezio/، ارگ/ʔerg/، آدور/ʔâdur/، کِگارک/keyârk/، گُرگو/gorgū/، اَوِ اَوِ/ʔew ʔewi/

۲-۶. اصطلاحات مربوط به داشت پسته

به طور معمول، کشاورزان برای اینکه پستهٔ بهتری برداشت کنند، به هنگام داشت، خود از آن‌ها مراقبت می‌کنند. به برخی از واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص در این بخش اشاره می‌شود.

- اوداری/ʔewdâri/

آبیاری زمین‌های کشاورزی

- پتارگنی /patârkoni/

هرس کردن شاخه‌های خشک درخت که موجب سبک‌تر شدن درخت و تقویت شاخه‌های بارآور آن می‌گردد و محصول را افزایش می‌دهد.

- پیوند زنی /peyvandzeni/

«برداشتن جوانه یا ساقه‌ای از یک گیاه یا درخت و قراردادن آن بر روی گیاه یا درخت دیگر در محلی مناسب به طریقی که آوندهای آنان با یکدیگر مربوط شود و مواد غذایی بتواند از یکی به دیگری رود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «پیوندزنی»)

- ماشوره‌ای /mâšurei/

به جوانه درخت بارور که به درخت دیگری پیوند زده می‌شود، ماشوره یا لوله‌ای /lulei/ می‌گویند.

- پیوند زنی بدنِ ای /peyvandzani bedenei/

یک شاخه از درخت بارور را چیده، جوانه‌های آن را جدا می‌کنند و به درخت دیگری که نیاز به پیوند دارد پیوند می‌زنند و پوست درخت را به طول ۵ الی ۷ سانتی‌متر برش می‌دهند و دو جوانه می‌زنند.

- پابیل /pâbil/

کندن و جابه‌جایی خاک زمین کشاورزی

- اِوِند /ewband/

نوبت آبیاری زمین

- رایین /râyin/

آب باقی‌مانده بعد از اتمام آبداری در جوی آب یا لوله آب

- اِوِ دَس دادن /ew das dadan/

تحويل نوبت آبداری به نفر بعد

- دَس بَن /das ban/

نفر بعدی که باید آب را تحويل بگیرد.

- برق جو /barq jû/

درست کردن راه آبداری؛ به آن دَر جو /dar jû/ نیز می‌گویند.

- /?ew balâ keda/ او بالا کِدن

آب‌داری را به دست گرفتن و نیت آب را از دیگری گرفتن.

- /pargir/ پَرگیر

مانعی بر سر آب جاری در جوی آب.

- /?ewbâdra/ او با دَرَف

هدر رفتن آب به دلایل مختلف اعم از شکستن ردیف‌های پسته و فراموش کردن زمان آبیاری و غیره.

- /terû ?ewkeda/ تِرو او کِدن

به دلیل کم بودن مقدار آب، به زمین آب کمی می‌رسد.

- /?ew sangi/ او سَنگی

آبیاری هر ردیف و راس زمین با حجم بالای آب در فصل سرد زمستان.

- /qed ?ew darz nakede/ قِد او دَرز نَکِد

آب هدر نرفته است.

۷-۲. اصطلاحات متفرقه مربوط به زراعت پسته

علاوه بر واژه‌هایی که بدان اشاره شد، اصطلاحات و واژه‌های دیگری نیز در حوزه کشاورزی پسته کاربرد دارند؛ از قبیل:

- /bâze/ باز

دیواری خاکی وسط زمین پسته که برای جداسازی قسمتی از زمین یا زمین‌های مجاور دو کشاورز ساخته می‌شود، مرز.

- /pangolû / پَنگولو

شاخه‌های خشک و ریز

- /tarke/ تَرکه

چوب بدون برگ که معمولاً نازک و خوش‌تراش است.

- خزون /xezūn/

برگ‌های خشک‌شده درخت

- دَس کِدَن /daskedan/

شروع برداشت پسته در انتهای تابستان و ابتدای فصل پاییز که پس از آخرین آبیاری زمین پسته صورت می‌گیرد.

- دَشْبُون /dašbūn/

فردی است که با نزدیک شدن فصل برداشت پسته، مسئول و محافظ زمین و محصول کشاورزان است و در مقابل محافظت از زمین کشاورزان بر اساس مقدار مساحت زمین هر کشاورز، مبلغی دریافت می‌کند. به این شخص، هادربون /hâderbūn/ نیز گفته می‌شود.

- رِس /res/

ردیف پسته

- زور /zūr/

کود حیوانی که برای تقویت درخت پسته در کنار درخت می‌ریزند.

- عَمِلَه /amele/

کارگر زمین کشاورزی که در مرحله کاشت و رسیدگی به درختان پسته مانند آبیاری، سم‌پاشی و کوددهی و نیز در مرحله برداشت محصول به کشاورز کمک می‌کند.

- کُرت /kort/

قطعه‌ای از زمین که از چند ردیف تشکیل می‌شود.

- کُمار /komâr/

دیر سبز شدن درخت پسته

- کِوَار /kewâr/

اتافک نگهبان در جهت حفاظت از درختان پسته که به شکل چارچوبی از چوب درختان گز و سایر درختان خشک و خار و خاشاک و برگ‌ها تشکیل می‌شود و نام دیگر آن تیفیک /tifik/ است.

- کَشْکُلُو /kaškölü/

جمع کردن پسته‌های باقی‌مانده بعد از برداشت که اغلب توسط کودکان و زنان فقیر انجام می‌گیرد. به این صورت که پس از چیده شدن محصول، زنان و کودکان با سبدهایی به راه می‌افتند تا دانه‌های جامانده بر درخت یا ریخته شده روی زمین را جمع‌آوری کنند.

- لُوزِ پِسِه /lewzpeše/

شیرینی محلی که خمیر آن از ترکیب آرد، روغن و آب درست می‌شود و در میان آن، خمیری از مغز پسته و شکر می‌ریزند و به شکل لوزی بریده می‌شود.

- کَشْ مَغْز /kašmayz/

غذای اصیل و محلی منطقه نوق است که با مغز پسته فراوان درست می‌شود.

- بو دادن /bu dâdan/

برشته کردن پسته یا مغز پسته

- نِخَالِه /nexâle/

پوسته‌های سرخ و سبز پسته‌ها همراه با سرشاخه‌ها، برگ‌ها و اضافاتی که بعد از پوست‌گیری در چرخ پسته‌پوست‌گیر باقی می‌مانند، به شکل توده‌ای انبار می‌شوند و بعدها برای تقویت زمین پسته استفاده می‌شوند.

- مَر /mar/

جوانه تازه‌رویده درخت پسته

- گُمار /gomâr/

نوبت آبیاری را گمار آب می‌گویند.

- کُنْگ /kong/

جوانه زایشی و رویشی که درون ساقه به وجود می‌آید، به طوری که زایشی تبدیل به خوشه‌های نر و ماده و رویشی تبدیل به ساقه می‌شود.

- گَرگ جو /gorg ju/

بستن آب بر روی زمین مورد نظر با پیل و هدایت آب از جوی اصلی به آبراه‌های فرعی.

- کُرت عوض کَدَن /kort ʔavaz keda/

جابه‌جایی مسیر آب از ردیفی که پر از آب شده و هدایت آن به سمت ردیفی که در صف آبیاری قرار دارد.

- زویی /zowi/

نوعی حلقهٔ سیمانی بزرگ که از آن برای بازکردن، بستن دهانهٔ جوی آب و هدایت یا بازداشتن آب از سمت زمین مورد نظر استفاده می‌کنند.

- اِوَرَنگ زِد /ʔew rang zede/

زمانی که میزان آب نسبت به آبیاری گذشته کمتر شده و خطی را داخل جوی آب ایجاد کرده باشد.

- کش کشیدن /kaškešidan/

هدایت آب به وسیلهٔ کفیل در مسیر آبیاری به منظور پیش‌روی و سرعت‌بخشیدن به حرکت آب.

- کُتینا /kotynâ/

جوی آب سربسته که در مسیر عبور ماشین‌ها قرار دارد.

- دَر بَن /dar ban/

بر سر لوله‌های ورودی در هر ردیف، ابزار دایره‌ای شکل متصل است که پس از اتمام زمان آبیاری هر ردیف، بسته می‌شود و در ردیف بعد که نوبت آبیاری دارد باز می‌شود.

- هَوَا مَتَوِ /hawâ matewe/

هوا مهتابی است. این وضعیت به کشاورزی که در شب، نوبت آبیاری دارد کمک می‌کند تا بتواند بدون نیاز به ابزاری مثل چراغ‌قوه به آبیاری زمین‌های کشاورزی بپردازد.

۱-۷-۲. اصطلاحات مربوط به مدت‌زمان تملک و استفاده از آب در آبیاری

اصطلاح	رُب سَنگ	سِ سَنگ	جَارِکِی	جَارِکِی وِ سِ سَنگ	نِیم حَبه	سَه جَارِک	یَ حَبه	یَ دُونگ
آوانگاری	robsang	sisang	čârîki	čârîki o sisang	nimhabbe	sečâarak	yahabbe	yadong
زمان	۲۲ دقیقه	۴۵ دقیقه	یک ساعت و نیم	دو ساعت و ۱۵ دقیقه	سه ساعت	چهار ساعت و نیم	شش ساعت	شانزده حبه، معادل ۹۶ دقیقه

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی برخی از اصطلاحات و واژه‌های مربوط به زراعت پسته در لهجه منطقه نوق رفسنجان پرداخته شد. در لهجه این منطقه، تنوع زیادی در حوزه واژگان مربوط به کشاورزی پسته وجود دارد که در زیرمجموعه‌هایی مثل انواع پسته، داشت و برداشت پسته، آفات و علف‌های هرز، ابزارهای مکانیکی و غیر مکانیکی و اصطلاحات متفرقه مربوط به پسته بررسی شدند.

در واقع، لغات و اصطلاحات مربوط به کشاورزی پسته در لهجه منطقه نوق با زبان فارسی معیار تفاوت‌های چشم‌گیری دارند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، در بخش انواع پسته، به پانزده نوع پسته اشاره شد؛ برای مثال، لهجه‌وران منطقه نوق و سایر لهجه‌وران با پسته احمدآقایی /amdâgâi/ و پسته کله‌قوچی /kalquçi/ آشنا هستند اما پس آرزنو /pese zarzenû/، تکلی /takeli/، کرکو /karkû/ و دم بس /dambas/ پسته‌هایی هستند که به جز بومیان و لهجه‌وران منطقه، افرادی از لهجه‌های دیگر متوجه معنای آن نمی‌شوند. از میان واژه‌های مربوط به آفات و مشکلات مربوط به زراعت پسته که مختص این منطقه است، می‌توان به ماسو /mâsû/، گرنگو /gerengû/ و کرم کرمانیا /kerme kermaniâ/ اشاره کرد. از جمله ابزارهای غیرمکانیکی مربوط به زراعت پسته که در هیچ‌کدام از فرهنگ‌های لغت به آن‌ها اشاره نشده و به نظر می‌رسد که مختص این منطقه باشد، می‌توان به پرچال /parçâal/ و جاوند کول‌ای /jawandekolei/ اشاره کرد. در بخش ابزارهای مربوط به زراعت پسته، اغلب کشاورزان لهجه‌های دیگر، واژه‌هایی مثل واژه بیل /bil/ را به کار می‌گیرند اما تفاوت‌های چشم‌گیری در واژه‌ها و اصطلاحاتی هم‌چون کال /kâl/ که مختص منطقه نوق هستند، دیده می‌شود. در بخش واژگان مربوط به علف‌های هرز نیز تعداد کمی از علف‌ها در لهجه‌ها و گویش‌های دیگر قابل استفاده هستند. به طور کلی، واژه‌های کشاورزی پسته که مختص این منطقه هستند، از غنای واژگانی این منطقه حکایت دارند و حفظ و نگاهداشت آن‌ها به عنوان گنجینه لغات ضروری می‌نماید.

منابع

اسدیان، زهره، محمودی، مریم، و داوری، پریرسا (۱۴۰۲)، واژه‌ها و اصطلاحات کشاورزی سنتی در دهاقان با تکیه بر کاشت گندم و جو، ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۳ (۲)، ۲۳-۱. doi: 10.30495/iril.2023.1962408.1515

بابک، علی (۱۳۸۹). بررسی زبان شناختی گویشی زرنده. کرمان: مرکز کرمان شناسی.

برومند سعید، جواد (۱۳۸۴). دگرگونی‌های آوایی واژگان در زبان فارسی. کرمان: گلاره.

خطیب رهبر، خلیل (۱۳۹۶). دستور زبان فارسی. تهران: مهتاب.

دیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی. ادب پژوهی، ۲(۵)، ۹۱-۱۲۸.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۲). تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

رضایی، جمال (۱۳۸۹). بررسی گویشی بیرجند. تهران: هیرمند.

رنجبر چقابودی، وحید (۱۳۹۱). زبان و زبان‌گونه‌ها. کرمانشاه: باغ‌نی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

صفوی، کوروش (۱۳۸۸). نگاهی به پیشینه زبان فارسی از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: مهدی.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۴). گستره گویش‌شناسی نوین. گویش‌شناسی، ۴(۴)، ۲-۲۲.

نغزگوی کهن، مهرداد، و نقشبندی، زانیار (۱۳۹۵). بررسی افعال وجهی در هورامی. جستارهای زبانی، ۷(۳)، ۲۴۳-۲۲۳.